



روش‌شناسی مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی: الگویی برای پژوهش و آموزش دانشگاهی

داربوش ذوالفقاری 

استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: d.zolfaghari@richt.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶	کتیبه‌ها علاوه بر ارزش هنری و تزئینی، اسناد مهمی برای شناخت تاریخ، فرهنگ، هنر، دین و ساختارهای اجتماعی به شمار می‌آیند. مطالعات کتیبه‌پژوهی در ایران، اغلب بر خوانش متن یا بررسی تاریخی آثار، تمرکز دارند. این مطالعات، چارچوب جامعی برای مستندسازی و تحلیل نظام‌مند کتیبه‌ها ندارند از این رو هدف این پژوهش، ارائه الگویی منسجم برای طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل کتیبه‌ها با رویکردی میان‌رشته‌ای است. پژوهش با روش تاریخی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی منابع معتبر و بهره‌گیری از مشاهدات میدانی انجام شده‌است. داده‌ها با استفاده از اصول مستندسازی میراث فرهنگی گردآوری و در چارچوبی تحلیلی ارزیابی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که طبقه‌بندی کتیبه‌ها بر اساس محل نصب و کارکرد، همراه با بررسی نظام‌مند ویژگی‌هایی چون زبان، خط، مصالح، ابعاد، رنگ و تزئین، موضوع، موقعیت نصب، بانی و عوامل انسانی، تاریخ و امضا و نیز وضعیت حفاظت و مرمت، چارچوبی جامع برای شناسایی، مستندسازی و تحلیل کتیبه‌های دوران اسلامی فراهم می‌آورد. بر این اساس، الگوی روش‌شناختی پیشنهادی پژوهش، با تلفیق مؤلفه‌های تاریخی، هنری، فنی و حفاظتی، امکان انجام مطالعات تطبیقی، استانداردسازی مستندسازی و ارتقای تحلیل‌های کتیبه‌پژوهی را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به کارگیری این چارچوب، علاوه بر افزایش انسجام و دقت مطالعات، می‌تواند مبنایی مناسب برای آموزش دانشگاهی، پژوهش‌های تخصصی و پروژه‌های مستندسازی، حفاظت و مرمت کتیبه‌های دوران اسلامی باشد.

استناد: ذوالفقاری، داربوش (۱۴۰۴). روش‌شناسی مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی: الگویی برای پژوهش و آموزش دانشگاهی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹ (۵۷)، ۱۷۳-۲۰۳.

<https://doi.org/10.30487/rwab.2026.2070291.1664>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت).



University Textbooks, Research & Writing

Vol. 29, Issue 57
Autumn & Winter 2026
Print ISSN: 2676-7503
Online ISSN: 2676-7511



Methodology of Epigraphic Studies in Islamic-Era: A Framework for Research, Documentation, and University Education

Dariush Zolfaghari ✉ 

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran. Corresponding author: d.zolfaghari@richt.ir

Article Info

History

Received: Sep. 30, 2025

Accepted: Feb. 25, 2026

Keywords

Cultural Heritage
Documentation
Epigraphy
Islamic-era
Inscriptions
Methodology

Abstract

Beyond their artistic and decorative value, inscriptions constitute important documentary sources for understanding the history, culture, art, religion, and social structures of Islamic societies. However, epigraphic studies in Iran have largely focused on textual reading or historical interpretation, with limited attention to a comprehensive framework for their systematic documentation and analysis. This study aims to develop a methodological framework for the study of Islamic inscriptions. This research proposes an integrated model for the classification, documentation, and analysis of inscriptions through an interdisciplinary approach. The study adopts a historical-analytical method based on library research, the examination of authoritative sources, and field observations. Data were collected according to the principles of cultural heritage documentation and analyzed within a systematic methodological framework. The findings indicate that classifying inscriptions according to their location and function, together with the systematic examination of features such as language, script, material, dimensions, color and decoration, content, installation location, patron and human agents, date and signature, and conservation status, provides a comprehensive framework for identifying, documenting, and analyzing Islamic inscriptions. By integrating historical, artistic, technical, and conservation perspectives, the proposed framework facilitates comparative studies, standardizes documentation practices, and improves epigraphic analysis. The study concludes that applying this framework can enhance the consistency and accuracy of epigraphic research while providing a practical basis for university education, specialized research, and documentation, conservation, and restoration projects concerning Islamic inscriptions.

Citation: Zolfaghari, D. (2026). Methodology of Epigraphic Studies in Islamic-Era: A Framework for Research, Documentation, and University Education. *University Textbooks Research and Writing*, 29(57), 173-203.

<https://doi.org/10.30487/rwab.2026.2070291.1664>

© 2026 Authors, University Textbooks Research and Writing.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

کتیبه‌ها یکی از مهم‌ترین اسناد مادی تمدن‌ها و از معتبرترین منابع برای شناخت تاریخ، فرهنگ، هنر، دین و ساختارهای اجتماعی به شمار می‌آیند. برخلاف بسیاری از منابع مکتوب که در گذر زمان دستخوش تحریف یا نابودی شده‌اند، کتیبه‌ها اغلب در بستر اصلی خود باقی مانده و اطلاعاتی دست‌اول درباره زمان، مکان، بانی، کارکرد و فضای فرهنگی آثار ارائه می‌کنند. از این رو، علاوه بر ارزش تاریخی، در مطالعات تاریخ هنر، خوشنویسی، زبان‌شناسی، معماری، باستان‌شناسی و میراث فرهنگی نیز جایگاهی بنیادین دارند (Grabar, 1987: 145-150; Blair, 1998: 1-12; Bloom, 1998: 18-24; Ettinghausen, Grabar & Jenkins-Madina, 2001: 246-254). در تمدن اسلامی، کتیبه‌ها، فراتر از عنصری تزئینی، بخشی از نظام معنایی و هویت بصری بناها و اشیای تاریخی‌اند. آیات قرآن، احادیث، ادعیه، القاب فرمانروایان، نام بانیان، تاریخ ساخت و اشعار فارسی و عربی، علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسی، در انتقال مفاهیم دینی، ثبت رویدادهای تاریخی، مشروعیت بخشی سیاسی و بازنمایی هویت فرهنگی نقش داشته‌اند. از این رو، تحلیل معماری و هنر اسلامی بدون توجه به نظام کتیبه‌ای آن ناقص خواهد بود (Blair, 1998: 13-61; Grabar, 1987: 151-170; Necipoğlu, 1995: 58-63). سنت کتیبه‌نگاری در ایران، از سده‌های نخستین اسلامی تا پایان دوره قاجار، با تنوع چشمگیر در زبان، خط، مصالح و شیوه‌های اجرا تداوم یافته‌است. کتیبه‌های کوفی، ثلث، نسخ، تعلیق و نستعلیق بر بناهای مذهبی، آموزشی، حکومتی، آرامگاهی و نیز اشیای منقول نقش بسته‌اند و امروز بخش مهمی از میراث فرهنگی ایران محسوب می‌شوند (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۲۷-۱۳۵؛ کیانی، ۱۳۷۴: ۵۵-۶۸؛ پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۲۳۸).

مطالعات ارزشمندی در این حوزه، انجام شده‌است اما مطالعات کتیبه‌پژوهی عمدتاً بر خوانش متن، معرفی آثار یا تحلیل‌های تاریخی و هنری متمرکز بوده‌اند. هرچند پژوهشگران ایرانی، مانند محمدتقی مصطفوی، محمدکریم پیرنیا، محمدیوسف کیانی و پژوهشگران بین‌المللی، همچون شیلابلر، اولگک گرابار و جاناتان بلوم، خدمات ارزنده‌ای در معرفی و تحلیل کتیبه‌ها ارائه کرده‌اند، بیشتر این پژوهش‌ها با اهدافی متفاوت انجام شده و کمتر به تدوین چارچوبی جامع برای شناسایی، مستندسازی، طبقه‌بندی و تحلیل نظام‌مند کتیبه‌ها پرداخته‌اند (مصطفوی، ۱۳۴۳؛ کیانی، ۱۳۷۴؛ پیرنیا، ۱۳۸۰؛ Grabar, 1987; Blair, 1998; Bloom, 1998).

گسترش فناوری‌های مستندسازی، از جمله فتوگرامتری، اسکن سه‌بعدی و تصویربرداری چندطیفی، همراه با توسعه استانداردهای بین‌المللی مستندسازی چون CIDOC CRM و CRMtex، امکان مستندسازی دقیق‌تر و ایجاد داده‌های ساخت یافته و قابل

تبادل را فراهم کرده است. همچنین پروژه‌هایی مانند EpiDoc و Linked Open Data بر استانداردسازی و یکپارچه‌سازی داده‌های کتیبه‌ای تأکید دارند و افق‌های تازه‌ای برای پژوهش‌های تطبیقی و مدیریت اطلاعات میراث فرهنگی گشوده‌اند. (Remondino & Campana, 2014: 25-48; Stylianidis & Remondino, 2016: 41-68; Doerr, 2003; Theodoridou et al., 2023). اما نبود چارچوبی روش‌شناختی که بتواند داده‌های تاریخی، هنری، فنی و حفاظتی را در قالب الگویی واحد سامان دهد، همچنان یکی از چالش‌های اصلی این حوزه است (Eldem, 2007: 15-34; Bloom, 1998: 53-61; Blair, 1998: 34-41). (28) این کاستی، به‌ویژه در آموزش دانشگاهی و پروژه‌های مستندسازی و حفاظت آثار تاریخی، بیش از پیش آشکار است؛ زیرا پژوهشگر امروز، علاوه بر خوانش متن، باید با مبانی مستندسازی، تحلیل ساختاری، حفاظت و مرمت و مدیریت اطلاعات میراث فرهنگی نیز آشنا باشد (Jokilehto, 1999; ICOMOS, 1996; UNESCO, 1972).

بنابراین هدف پژوهش حاضر، ارائه چارچوبی روش‌شناختی برای مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی است که بر طبقه‌بندی نظام‌مند کتیبه‌ها، تبیین شاخص‌های تاریخی، هنری، فنی و محتوایی و ارائه الگویی کاربردی برای پژوهش، آموزش دانشگاهی، مستندسازی، حفاظت و مرمت استوار است. نوآوری این پژوهش این است که با تلفیق دستاوردهای کتیبه‌پژوهی، اصول مستندسازی میراث فرهنگی و رویکردهای نوین مدیریت داده‌های فرهنگی، الگویی جامع و میان‌رشته‌ای برای مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی ایران ارائه می‌دهد.

پیشینه پژوهش

مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی طی یک قرن گذشته از گردآوری و انتشار متون به سوی تحلیل‌های تاریخی، هنری، معناشناختی و در سال‌های اخیر مستندسازی دیجیتال و مدیریت داده‌های میراث فرهنگی تحول یافته است. امروزه کتیبه‌پژوهی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که تاریخ، تاریخ هنر، معماری، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، حفاظت و مرمت و علوم انسانی دیجیتال را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Grabar, 1987: 145-170; Blair, 1998: 1-61; Bloom, 1998: 18-41; O’Kane et al., 2023).

نخستین مطالعات نظام‌مند کتیبه‌های اسلامی در ایران، با آثار محمدتقی مصطفوی آغاز شد. او در *قلیم پارس* و دیگر آثار خود، با ثبت متون، محل نصب، تاریخ و ویژگی‌های کالبدی کتیبه‌ها، بنیان مستندسازی میدانی این حوزه را ایجاد کرد (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۲۷-۱۴۵). پس از او، محمدکریم پیرنیا، کتیبه را از منظر معماری و هویت بصری بنا بررسی کرد

(پیرنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۸) و محمدیوسف کیانی نیز به بررسی نقش کتیبه‌ها در شناخت تاریخ و سبک معماری اسلامی پرداخت (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۵-۶۸). این آثار هرچند جایگاه کتیبه را در معماری و تاریخ هنر روشن ساختند، اما هدف اصلی آن‌ها تدوین روشی مستقل برای مطالعه کتیبه‌ها نبود. در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های ایرانی به تدریج از توصیف صرف آثار فاصله گرفته و به تحلیل‌های تاریخی، هنری و معناشناختی گرایش یافته‌اند.

مطالعات مربوط به محراب اولجایتوی مسجد جامع اصفهان، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، سنگ‌مزارهای تاریخی و دیگر نمونه‌های شاخص، ظرفیت کتیبه‌ها را در بازنمایی لایه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی نشان داده‌اند؛ حاجی‌زاده و همکاران، هنر کتیبه‌نگاری را یکی از مهم‌ترین عناصر تزئینی بناهای اسلامی در چهار مقبره سلجوقی شمال غرب ایران یعنی گنبد سرخ، برج مدور، سه گنبد و گنبد کبود بررسی کردند. (حاجی‌زاده باستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۴۸). همچنین آثار کتیبه‌پژوهی عبدالله قوچانی، نکات بسیار ارزشمندی را مطرح کرده‌است (رحیمی‌فر، ۱۴۰۰: ۳۹-۴۳). در کتاب سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان، درباره ویژگی‌های کتیبه‌های این منطقه نکات ارزشمندی آمده است. (معطوفی، ۱۳۸۷: ۴۰۴-۴۱۴). کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی نیز برای کتیبه‌پژوهی، از منابع درخور و شایسته است. (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴).

پژوهشگرانی نیز، در آثار غیر معماری «طبقه‌بندی شکلی برای کتیبه‌های دارای صورت» انجام داده‌اند. (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۱-۱۴۹) طبقه‌بندی صوری و محتوایی کتیبه‌های مذهبی شمشیرهای دوره‌های صفوی و قاجار هم از مطالعات موردی و اختصاصی است که در خصوص کتیبه‌های یک شیء انجام شده‌است. (شاطری و همکار، ۱۴۰۰: ۹۷-۱۲۱) علی اصغر حکمت در فهرستی که از کتیبه‌های فارسی هند فراهم آورده، آنها را بر اساس گونه بناها طبقه‌بندی کرده است: کتیبه‌های ابنیه و قصور پادشاهان، کتیبه‌های اماکن مقدسه (مساجد و تکایا و مزارات)، کتیبه‌های ابنیه عمومی (پل، بازار، دهنه چاه‌ها) کتیبه‌های قبور سلاطین و امرا و وزا و شعرا، و کتیبه‌های متفرقه. (حکمت، ۱۳۳۷: ۵-۶) شیلا بلر هم کتیبه‌ها را بر اساس موضوع، طبقه‌بندی کرده است. در این شیوه، کتیبه انواعی چون یادمانی، یادگاری، احداثیه و وقفیه دارد. (بلر، ۱۳۹۴: ۱۴). عمادالدین شیخ‌الحکمایی نیز در آثار منتشرشده خود به این موضوع پرداخته‌اند.

گاستون ویت دغدغه خود را درباره روشمند نبودن مطالعات کتیبه‌ها در ایران بیان کرده است. (ویت گاستون، ۱۳۸۸: ۲۰۴۳) اولگ گرابار هم با تبیین جایگاه کتیبه در زبان

بصری هنر اسلامی، نقش آن را در پیوند میان معماری، قدرت و هویت دینی نشان داد (Grabar, 1987: 145-170) جانانان بلوم نیز اهمیت کتیبه‌ها را در شکل‌گیری هویت بصری هنر اسلامی و انتقال مفاهیم فرهنگی و مذهبی تبیین نمود (Bloom, 1998: 18-41). این آثار بنیان نظری استواری برای مطالعات کتیبه‌ای فراهم کرده‌اند، اما چارچوبی اختصاصی برای کتیبه‌های ایران عرضه نکرده‌اند.

مروار انتقادی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هر یک از این مطالعات سهم مهمی در شناخت کتیبه‌های دوران اسلامی داشته‌اند. اغلب بر مستندسازی، تحلیل تاریخی و هنری و بر فناوری‌های نوین تمرکز کرده‌اند. با این حال، هنوز چارچوبی که این دستاوردها را در قالب الگویی واحد برای شناسایی، طبقه‌بندی، مستندسازی، تحلیل و ارزیابی کتیبه‌های دوران اسلامی تلفیق کند، ارائه نشده‌است. پژوهش حاضر در پاسخ به این خلأ، با بهره‌گیری از دستاوردهای مطالعات کلاسیک و رویکردهای نوین میراث فرهنگی، چارچوبی روش‌شناختی برای مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی پیشنهاد می‌کند که در پژوهش، آموزش دانشگاهی، مستندسازی، حفاظت و مرمت نیز کاربرد داشته باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، روش‌شناختی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکرد تاریخی - تحلیلی و مطالعه تطبیقی انجام شده‌است. هدف آن، تدوین چارچوبی نظام‌مند برای شناسایی، مستندسازی، طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر کتیبه‌های دوران اسلامی ایران است. پژوهش بر تلفیق مبانی نظری کتیبه‌پژوهی و مطالعات میراث فرهنگی استوار است و در سه مرحله انجام شد: نخست، مطالعه منابع فارسی و لاتین در حوزه‌های کتیبه‌پژوهی، تاریخ هنر اسلامی، معماری، باستان‌شناسی، حفاظت، مرمت و مستندسازی میراث فرهنگی؛ دوم، طبقه‌بندی انواع کتیبه‌ها و سوم، تدوین چارچوب روش‌شناختی بر پایه یافته‌های دو مرحله پیشین.

داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی گردآوری شده‌اند. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری، پیشینه پژوهش و روش‌های مطالعه استخراج گردید. در بخش میدانی، تصاویری از کتیبه‌ها تهیه شد تا به عنوان نمونه در ذیل انواع کتیبه درج شود. جامعه پژوهش، کتیبه‌های دوران اسلامی است. با توجه به ماهیت روش‌شناختی تحقیق، برای مطالعه کتیبه‌ها، شاخص‌هایی مانند جایگاه نصب، کارکرد، زبان، خط، مصالح، شیوه اجرا، ابعاد، ساختار بصری، محتوای نوشتاری، تاریخ، بانی، امضا (در صورت وجود)، وضعیت حفاظتی و ارتباط با فضای معماری پیشنهاد شده‌است.

چارچوب روش‌شناختی پژوهش، بر پایه نتایج این مراحل، تدوین شد که فرایند مطالعه کتیبه‌ها را از شناسایی و مستندسازی تا طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر سامان می‌دهد. این چارچوب با رویکردهای نوین مستندسازی میراث فرهنگی و استانداردسازی داده‌ها همخوانی دارد و می‌تواند در پژوهش، آموزش دانشگاهی، مستندسازی، حفاظت و مرمت کتیبه‌های دوران اسلامی ایران کاربرد داشته باشد.

چارچوب روش‌شناختی پیشنهادی برای مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی

چارچوب روش‌شناختی با تکیه بر پیشینه پژوهش و یافته‌های این مطالعه، برای مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی پیشنهاد می‌شود. این چارچوب بر این اصل استوار است که کتیبه تنها یک متن تاریخی یا عنصر تزئینی نیست، بلکه پدیده‌ای چندوجهی است که در پیوند با معماری، تاریخ، فرهنگ و فنون اجرایی معنا می‌یابد. از این رو، مطالعه آن نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است. الگوی پیشنهادی شامل سه مرحله است: طبقه‌بندی بر اساس محل نصب، طبقه‌بندی بر اساس کارکرد و تحلیل ویژگی‌های ساختاری و محتوایی. این محورها فرایندی منسجم از شناسایی، مستندسازی، طبقه‌بندی و تحلیل را تشکیل می‌دهند و می‌توانند در پژوهش، آموزش دانشگاهی، مستندسازی و حفاظت آثار تاریخی به کار روند. محل نصب و کارکرد، مبنای طبقه‌بندی اولیه کتیبه‌ها را فراهم می‌کنند و بررسی ویژگی‌هایی مانند زبان، خط، مصالح، فن اجرا، محتوا، عوامل انسانی و وضعیت حفاظت، امکان شناخت جامع اثر را به دست می‌دهد.

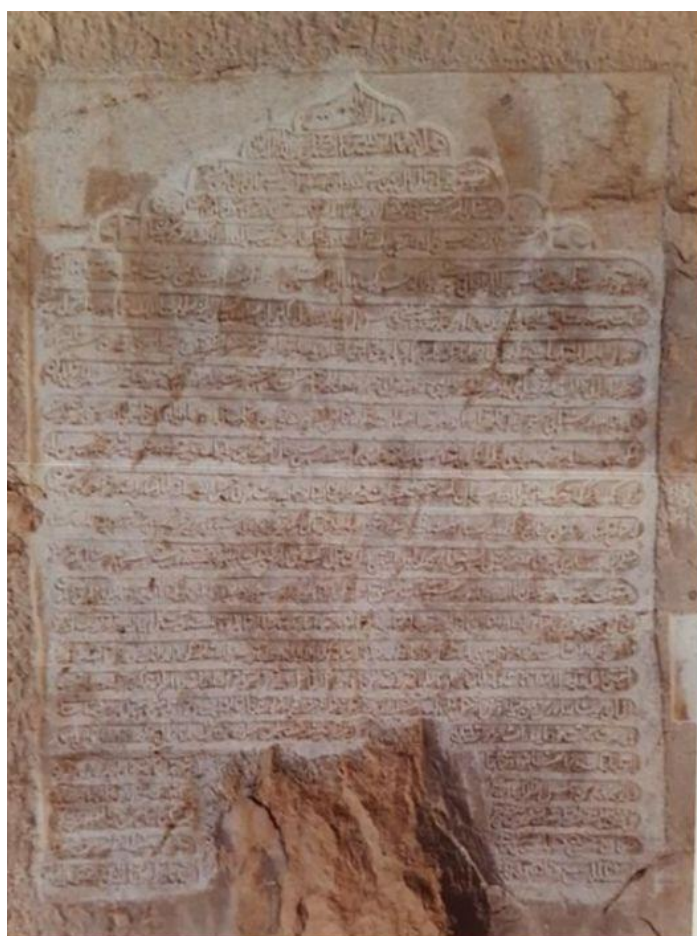
هر یک از این سه محور در ادامه، به تفصیل بررسی می‌شود. تصاویر درج‌شده، نمونه‌های تصویری برای تبیین طبقه‌بندی و چارچوب روش‌شناختی پیشنهادی هستند. این نمونه‌ها از میان کتیبه‌های شهرهایی مانند بخارا، لاهور، شیراز، یزد و کاشان انتخاب شده‌اند و هدف از درج آن‌ها، تحلیل تاریخی یا هنری این آثار نیست، بلکه نمایش مصادیقی از گروه‌های معرفی‌شده و تسهیل درک مباحث روش‌شناختی این پژوهش است.

طبقه‌بندی کتیبه‌ها بر اساس محل نصب

یکی از نخستین مراحل مطالعه علمی کتیبه‌های دوران اسلامی، طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس محل نصب است. جایگاه استقرار کتیبه تنها محل قرارگیری متن نیست، بلکه با کارکرد، مخاطب، انتخاب خط، مصالح، ابعاد و شیوه اجرا ارتباط مستقیم دارد و در

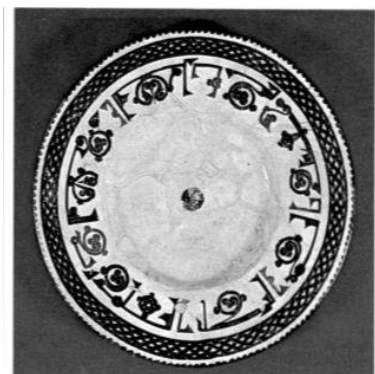
تفسیر تاریخی و هنری اثر نقش اساسی ایفا می‌کند. در چارچوب پیشنهادی این پژوهش، محل نصب، مبنای طبقه‌بندی و آغاز فرایند شناسایی و تحلیل کتیبه‌هاست. بر این اساس، کتیبه‌های دوران اسلامی در چهار گروه اصلی قرار می‌گیرند:

۱. کتیبه‌های صخره‌ای (شکل ۱)، که بستر طبیعی، ویژگی اصلی آن‌هاست. وقف‌نامه قاجاری نقش رستم، نمونه کتیبه صخره‌ای است.



شکل ۱ وقف‌نامه قاجاری نقش رستم (مأخذ: جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۴۷)

۲. کتیبه‌های اشیای منقول (شکل ۲)، بشقاب سفالی منقوش به خط کوفی با متن العلم زین للفتی و العقل تاج من ذهب. باليمن البرکه، نمونه‌ای از کاربرد کتیبه بر اشیای منقول است.



شکل ۲ بشقاب سفالی منقوش به خط کوفی (مأخذ: قوچانی، ۱۳۶۴: ۴۳)

۳. کتیبه‌های ابنیه و سازه‌های معماری (شکل ۳)، فرمان محمدشاه قاجار بر دیوار مسجد مدرسه کاشان، نمونه کتیبه معماری است.



شکل ۳ فرمان محمدشاه قاجار بر دیوار مسجد مدرسه کاشان (مأخذ: ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۵۷)

۴. کتیبه‌های سنگ‌مزار (شکل ۴)، سنگ قبر قاجاری به دست آمده از یزد نمونه بسیار زیبایی از کتیبه بر سنگ مزار است.



شکل ۴ سنگ قبر قاجاری به دست آمده از یزد (مأخذ: ذوالفقاری، ۱۴۰۴: ۱۵)

این طبقه‌بندی، چارچوبی منسجم برای مستندسازی، مطالعات تطبیقی و سامان‌دهی داده‌های پژوهشی فراهم می‌کند و مبنای بررسی سایر ویژگی‌های کتیبه، از جمله کارکرد، زبان، خط، مصالح، فن اجرا، تاریخ، بانی و وضعیت حفاظت قرار می‌گیرد. در ادامه، ویژگی‌های هر گروه به‌طور جداگانه بررسی می‌شود و خلاصه آن‌ها در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲ مقایسه انواع کتیبه‌های دوران اسلامی بر اساس محل نصب

نوع کتیبه	بستر نصب	مهم‌ترین کارکرد	رایج‌ترین مصالح	نمونه
کتیبه‌های صخره‌ای	صخره و بستر طبیعی	انتقال پیام‌های عمومی و ماندگار	سنگ	وقف‌نامه قاجاری نقش رستم (شکل ۱)
کتیبه‌های اشیای منقول	اشیای منقول	فرهنگی، هنری و شخصی	فلز، سفال، چوب، شیشه	بشقاب سفالی منقوش به خط کوفی (شکل ۲)
کتیبه‌های ابنیه	ابنیه و سازه‌های معماری	مذهبی، معماری و سیاسی	گچ، کاشی، آجر، سنگ	فرمان محمدشاه قاجار بر دیوار مسجد مدرسه کاشان (شکل ۳)
کتیبه‌های سنگ‌مزار	سنگ‌مزارها	هویتی، تاریخی و اعتقادی	سنگ	سنگ قبر قاجاری به دست آمده از یزد (شکل ۴)

طبقه‌بندی کتیبه‌ها بر اساس کارکرد

پس از تعیین محل نصب، تحلیل کارکرد دومین مرحله‌ی اساسی در روش‌شناسی پیشنهادی است. اگر محل نصب جایگاه کالبدی کتیبه را مشخص می‌کند، کارکرد، هدف از آفرینش و نقش آن را در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آشکار می‌سازد. از این رو، تحلیل کارکردی رابطه‌ی میان متن، مخاطب، فضای استقرار و هدف پدیدآورندگان اثر را روشن می‌کند و زمینه‌ی تفسیر دقیق‌تر کتیبه را فراهم می‌آورد. پژوهش‌های کتیبه‌پژوهی نشان داده‌اند که کتیبه‌های اسلامی علاوه بر ثبت اطلاعات، در انتقال مفاهیم دینی، مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی، بازنمایی هویت فرهنگی و سازمان‌دهی فضای معماری نقش دارند؛ از این رو، تحلیل محتوای آن‌ها بدون توجه به کارکرد، تصویری ناقص از اثر به دست می‌دهد.

بسیاری از ویژگی‌های محتوایی و هنری کتیبه تنها در پیوند با بستر استقرار آن معنا می‌یابند. برای نمونه، کتیبه‌ی سردر مسجد می‌تواند هم معرفی‌کننده‌ی بنا و بانی باشد و هم با انتخاب آیات قرآن، کارکردی اعتقادی و هویت‌بخش پیدا کند. به همین ترتیب، کتیبه‌های سنگ‌مزار علاوه بر ثبت اطلاعات هویتی، مضامین دینی و اخلاقی را دربر می‌گیرند و کتیبه‌های اشیای تاریخی نیز علاوه بر معرفی سازنده یا مالک، گاه حامل دعا، اشعار یا عبارات نمادین‌اند. بررسی نمونه‌های ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی نشان می‌دهد که کارکرد کتیبه‌ها را می‌توان در دو گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: کتیبه‌های اطلاع‌رسان و کتیبه‌های بلاغی.

کتیبه‌های اطلاع‌رسان با هدف ثبت اطلاعاتی مانند تاریخ ساخت، نام بانی، وقف، مرمت، مالکیت یا نسب پدید آمده‌اند، در حالی که کتیبه‌های بلاغی بیشتر در انتقال پیام‌های دینی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی نقش دارند. این تقسیم‌بندی، مبنایی مناسب برای تحلیل محتوایی و ارزیابی ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آثار فراهم می‌کند و از آشفتگی تقسیم‌بندی کتیبه‌ها ذیل عناوینی مانند احداثی، وقفی، مرمتی، تملیکی که همگی اطلاعاتی را به مخاطب انتقال می‌دهند برحذر می‌دارد. بسیاری از کتیبه‌ها واجد چند کارکرد هم‌زمان‌اند. برای مثال، کتیبه‌ی سردر مسجد ممکن است علاوه بر ثبت نام بانی و تاریخ ساخت، آیاتی از قرآن را نیز دربرگیرد و در نتیجه، هم کارکرد اطلاع‌رسان داشته باشد و هم کارکرد بلاغی. همچنین در بسیاری از سنگ‌مزارها، اطلاعات هویتی با آیات، ادعیه یا اشعار درهم می‌آمیزد. از این رو، در چارچوب پیشنهادی این پژوهش، علاوه بر تعیین کارکرد غالب، ثبت کارکردهای فرعی نیز ضروری است.

تحلیل کارکردی، علاوه بر تفسیر متن، در ارزیابی ارزش‌های تاریخی، هنری و فرهنگی، استانداردسازی مستندسازی و انجام مطالعات تطبیقی نیز نقشی اساسی دارد.

کتیبه‌ها را می‌توان «از بابت کارکرد و مضمون قرار داد. از این منظر کتیبه‌ها به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند: کتیبه‌های مذهبی که بیشتر کارکرد آن در اماکن مذهبی است. کتیبه‌های تعلیمی یا پندآموز که کارکرد آموزشی دارند. کتیبه‌های یادمانی و احداثیه که برای یاد و اطلاع از مطالبی کارکرد دارند و کتیبه‌های تزئینی که آراستن بنا، مهم‌ترین هدف آن‌ها است» (فرید، ۱۴۰۳: ۱۰۷) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این تقسیم‌بندی دقیق نیست و می‌توان آن را در دو نوع پیشنهادی مقاله گنجانند. در ادامه دو گروه اصلی کتیبه‌های (اطلاع‌رسان و بلاغی) و سپس هم‌پوشانی کارکردها بررسی می‌شود.

کتیبه‌های اطلاع‌رسان

کتیبه‌های اطلاع‌رسان با هدف ثبت و انتقال اطلاعات تاریخی، حقوقی، اجرایی یا اجتماعی پدید آمده‌اند و از معتبرترین اسناد دست اول تاریخ اسلام به شمار می‌روند زیرا اطلاعات آن‌ها هم‌زمان با ساخت، وقف، مرمت یا بهره‌برداری از آثار ثبت شده و در بسیاری از موارد تنها منبع موجود برای تعیین تاریخ، بانی یا کارکرد بنا هستند.

در چارچوب روش شناختی این پژوهش، بررسی این کتیبه‌ها بر استخراج و ثبت دقیق داده‌های عینی متن استوار است. اطلاعاتی مانند تاریخ، نام اشخاص، القاب، سمت‌ها، بانی یا واقف، نوع بنا، نام هنرمند یا کاتب، رویدادهای تاریخی و مفاد وقف باید پیش از هرگونه تفسیر تاریخی یا هنری ثبت و از برداشت‌های پژوهشگر تفکیک شود؛ اصلی که از مبانی مستندسازی علمی کتیبه‌ها به شمار می‌رود.

مهم‌ترین گونه‌های کتیبه‌های اطلاع‌رسان عبارت‌اند از:

- ثبت تاریخ: شامل تاریخ ساخت، تکمیل، مرمت یا بازسازی بنا که در بسیاری از موارد مبنای اصلی تاریخ‌گذاری آثار است.
- معرفی بانی یا واقف: ثبت نام پادشاهان، وزیران، واقفان یا سفارش‌دهندگان که اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار قدرت، نظام وقف و حمایت از هنر ارائه می‌دهد.
- ثبت مشخصات اثر: معرفی نوع بنا، کاربری یا ویژگی‌های فنی آن، به‌ویژه در آب‌انبارها، پل‌ها، مدارس و کاروانسراها.
- ثبت رویدادهای تاریخی: مانند فتح شهرها، احداث یا بازسازی بناها که در کنار منابع مکتوب، اسناد مهم تاریخ سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند.
- ثبت قوانین و مفاد وقف: شامل مقررات بهره‌برداری، حدود وقف و حقوق استفاده‌کنندگان که برای مطالعات حقوقی، اقتصادی و اداری اهمیت دارند.

کتیبه‌های اطلاع‌رسان، به دلیل اتکای مستقیم به داده‌های تاریخی، از مهم‌ترین منابع برای پژوهش و آموزش روش تحقیق در تاریخ، باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میراث فرهنگی به شمار می‌روند و جایگاهی اساسی در چارچوب روش‌شناختی پیشنهادی این پژوهش دارند. به عنوان نمونه درباره نقش درست‌خوانی کتیبه‌ها در شناسایی کارکرد و تاریخ ساخت بنا (ر.ک. شیخ‌الحکمایی و همکار، ۱۳۹۵: ۸۱-۹۴). کتیبه سردر ورودی مقبره چشمه ایوب بخارا (شکل ۵)، نمونه‌ای از کتیبه‌های اطلاع‌رسان است. که در آن این اطلاعات به خواننده داده می‌شود: «تمام شد این عمارت به اشارت سلطان ماوراءالنهر و خراسان امیر تیمور گُرکان زید مرحمته علی بابا [المسلمین] بسعی امیر حجاج فی شهور سنه ۷۸۵».



شکل ۵ کتیبه سردر ورودی مقبره چشمه ایوب بخارا (مأخذ: صفری و همکاران، ۱۳۹۶)

کتیبه‌های بلاغی

کتیبه‌های بلاغی برخلاف کتیبه‌های اطلاع‌رسان، با هدف انتقال مفاهیم دینی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، ادبی و زیبایی‌شناختی پدید آمده‌اند. این نوع از کتیبه‌ها بیشتر برای اثرگذاری در مخاطب ایجاد شده‌اند. در این آثار، نوشتار علاوه بر انتقال معنا، عنصری هنری است که در تعامل با معماری و تزیینات، هویت بصری و معنایی بنا یا شیء را شکل می‌دهد. پیوند متن، خوشنویسی، معماری و آرایه‌های تزیینی، کتیبه‌های بلاغی را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال اندیشه و زیبایی در تمدن اسلامی تبدیل کرده‌است.

مهم‌ترین گونه‌های کتیبه‌های بلاغی عبارت‌اند از: آیات قرآن، احادیث و ادعیه، اشعار فارسی و متون عرفانی. انتخاب این متون معمولاً با کارکرد بنا یا شیء ارتباط مستقیم دارد و به مقتضای حال آن است و علاوه بر انتقال پیام، در شکل‌دهی فضای معنوی و هویت فرهنگی اثر نیز نقش دارد. این گروه از کتیبه‌ها ظرفیت بالایی برای آموزش میان‌رشته‌ای دارند و نقش آن‌ها در پیوند ادبیات، خوشنویسی، معماری، مطالعات دینی و میراث فرهنگی، آن‌ها را به یکی از محورهای اصلی آموزش و پژوهش کتیبه‌پژوهی تبدیل کرده‌است.

شکل ۶ کتیبه‌ای بلاغی است که در آن دو بیت نخست غزلی از حافظ شیرازی (حافظ، ۱۳۸۵: ۹۶۸) با خط نستعلیق کم‌عیار بر دیوار قبرستان میانی لاهور نوشته شده‌است.



شکل ۶ کتیبه دیوار قبرستان میانی لاهور پاکستان. (مأخذ: مرتضی رضوانفر)

هم‌پوشانی کارکردهای کتیبه‌ها

یکی از ویژگی‌های مهم کتیبه‌های دوران اسلامی، کارکرد چندگانه آن‌هاست. هر چند تقسیم کتیبه‌ها به دو گروه «اطلاع‌رسان» و «بلاغی» برای سامان‌دهی پژوهش سودمند است، در عمل بسیاری از کتیبه‌ها هم‌زمان چند کارکرد دارند. از این رو، این تقسیم‌بندی چارچوبی تحلیلی است نه مرزی قطعی میان انواع کتیبه‌ها.

روش‌شناسی پیشنهادی این پژوهش این است که ابتدا، هر کتیبه بر اساس کارکرد غالب طبقه‌بندی می‌شود، اما تحلیل نهایی باید کارکردهای فرعی آن را نیز دربرگیرد؛ زیرا بسیاری از ارزش‌های تاریخی، هنری و فرهنگی تنها از رهگذر بررسی هم‌زمان متن، بستر معماری، ویژگی‌های بصری و زمینه تاریخی آشکار می‌شوند. این رویکرد با دیدگاه‌های نوین میراث فرهنگی و استانداردهای مستندسازی نیز همخوانی دارد. نمونه این هم‌پوشانی، کتیبه سردر مسجد مدرسه آقابزرگ کاشان است. (شکل ۷) این کتیبه از یک سو با ثبت نام ناصرالدین شاه قاجار و تاریخ ساخت، سندی تاریخی به شمار می‌آید و از سوی دیگر، با متن شعر، خط نستعلیق، کاشی کاری معرق و جایگاه ممتاز خود در نمای بنا، کارکرد بلاغی نیز دارد.



شکل ۷ کتیبه سردر مسجد مدرسه آقابزرگ کاشان (مأخذ: ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۵۹)

از منظر روش‌شناختی، پذیرش هم‌پوشانی کارکردها، مانع تحلیل‌های تک‌بعدی می‌شود. بنابراین، پس از تعیین کارکرد غالب، باید ارتباط آن با محل نصب، نوع خط، محتوای متن، ساختار بصری، فن اجرا و زمینه تاریخی نیز بررسی شود تا تصویری جامع از هویت کتیبه به دست آید. این رویکرد، دقت تحلیل و امکان مقایسه علمی آثار را افزایش می‌دهد و در آموزش کتیبه‌پژوهی نیز نگاه میان‌رشته‌ای دانشجویان را تقویت می‌کند. بر همین اساس، در چارچوب پیشنهادی، ثبت هم‌زمان کارکردهای اصلی و فرعی هر کتیبه ضروری است و نمونه‌هایی از این هم‌پوشانی در جدول (۳) ارائه شده‌است. البته در بعضی از پژوهش‌های موردی، پژوهشگران، دسته‌بندی‌هایی اختصاصی برای کتیبه‌های مورد مطالعه خود، در نظر گرفته‌اند که قابل تعمیم به سایر کتیبه‌ها نیست. مانند مقاله‌ای که در آن کتیبه‌های معماری تیموری را به سه دسته کتیبه‌های خواندنی، پوشاننده و تزئینی کوچک تقسیم کرده‌اند (آشوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱-۳۶).

جدول ۳ مقایسه کارکردهای اصلی کتیبه‌های دوران اسلامی

مکان نصب کتیبه	کارکرد غالب	کارکردهای فرعی	نمونه
سردر مسجد	اطلاع‌رسان + بلاغی	بلاغی، سیاسی، هنری	سردر مسجد مدرسه آقابزرگ کاشان (شکل ۷)
دیوار قبرستان	بلاغی	هنری، آموزشی	دیوار قبرستان میانی لاهور پاکستان (شکل ۶)
مقبره	اطلاع‌رسان	تاریخی	سردر ورودی مقبره چشمه ایوب بخارا (شکل ۵)
شیء منقول	بلاغی	هنری، هویتی	بشقاب سفالی منقوش به خط کوفی (شکل ۲)

ویژگی‌های کتیبه‌های دوران اسلامی

پس از طبقه‌بندی کتیبه‌ها بر اساس محل نصب و کارکرد، سومین مرحله چارچوب روش‌شناختی پیشنهادی، بررسی ویژگی‌های ساختاری، فنی و محتوایی آن‌هاست. در این

مرحله، کتیبه نه تنها به عنوان متنی مکتوب، بلکه به مثابه سندی تاریخی، اثری هنری و بخشی از میراث فرهنگی بررسی می‌شود. شناخت نظام مند ویژگی‌های آن، مبنای تحلیل‌های تاریخی، هنری، زبان‌شناختی، حفاظتی و تطبیقی و نیز مستندسازی علمی آثار است. در این پژوهش، ویژگی‌های کتیبه‌های دوران اسلامی در ده شاخص اصلی بررسی می‌شود: زبان، خط، جنس و مصالح، ابعاد و سطور، رنگ و تزیین، موضوع، موقعیت نصب، عوامل انسانی، تاریخ و امضا و وضعیت کنونی اثر. این شاخص‌ها چارچوبی جامع برای شناسایی، مستندسازی، طبقه‌بندی و تحلیل کتیبه‌ها فراهم می‌کنند و قابلیت استفاده در پژوهش، آموزش دانشگاهی، مستندسازی میراث فرهنگی و طراحی بانک‌های اطلاعاتی را دارند.

اهمیت هر یک از این شاخص‌ها بر اساس هدف پژوهش متفاوت است؛ برای نمونه، در مطالعات زبان‌شناختی، زبان و خط، در پژوهش‌های حفاظت و مرمت، مصالح و وضعیت حفاظتی و در تاریخ هنر، رابطه متن، خوشنویسی و معماری اهمیت بیشتری دارد. از این رو، تحلیل ویژگی‌های کتیبه باید متناسب با مسئله پژوهش و با رویکردی میان‌رشته‌ای انجام شود. در ادامه، هر یک از این شاخص‌ها به طور مستقل بررسی خواهد شد.

زبان

زبان، یکی از بنیادی‌ترین شاخص‌های مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی است؛ زیرا علاوه بر انتقال پیام، هویت دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر دوره را نیز بازتاب می‌دهد. تعیین زبان کتیبه، نخستین گام در خوانش، تفسیر و مستندسازی آن به شمار می‌آید و اطلاعاتی درباره مخاطبان، کارکرد و زمان تقریبی نگارش اثر فراهم می‌کند. در ایران، از سده‌های نخستین اسلامی تا حدود قرن ششم هجری، عربی زبان غالب کتیبه‌های مذهبی و رسمی بود و بیشتر برای آیات قرآن، احادیث، ادعیه و متون وقفی به کار می‌رفت. از دوره سلجوقی به بعد، زبان فارسی نیز به تدریج جایگاهی برجسته یافت و در اشعار، ماده تاریخ‌ها، سنگ‌مزارها و برخی کتیبه‌های یادمانی و وقفی رواج پیدا کرد. هم‌زیستی این دو زبان از ویژگی‌های شاخص کتیبه‌های ایران و بازتاب پیوند فرهنگ ایرانی و تمدن اسلامی است.

علاوه بر تعیین زبان اصلی، ثبت دوزبانگی یا چندزبانگی، اصطلاحات ویژه و ویژگی‌های زبانی نیز اهمیت دارد؛ زیرا این اطلاعات در تاریخ‌گذاری، شناسایی محیط فرهنگی و بررسی ارتباطات میان‌فرهنگی کاربرد دارد. اگرچه بیشتر کتیبه‌های ایران به

زبان‌های عربی و فارسی‌اند، در برخی مناطق و دوره‌ها نمونه‌هایی به زبان‌های ترکی، مغولی، اردو و ارمنی نیز دیده می‌شود که بیانگر تنوع زبانی و فرهنگی ایران و روابط آن با دیگر سرزمین‌های اسلامی است.

خط

خط، مهم‌ترین مؤلفه بصری کتیبه‌های دوران اسلامی و یکی از شاخص‌های اصلی در شناسایی، تاریخ‌گذاری، تحلیل هنری و مستندسازی آن‌هاست. در هنر اسلامی، خوشنویسی علاوه بر انتقال متن، عنصری بنیادین در شکل‌دهی به هویت بصری بناها و آثار تاریخی به شمار می‌رود؛ از این رو، بررسی نوع خط، شیوه اجرا، تناسبات حروف و ارتباط آن با بستر اثر، از مراحل اساسی مطالعه کتیبه‌هاست.

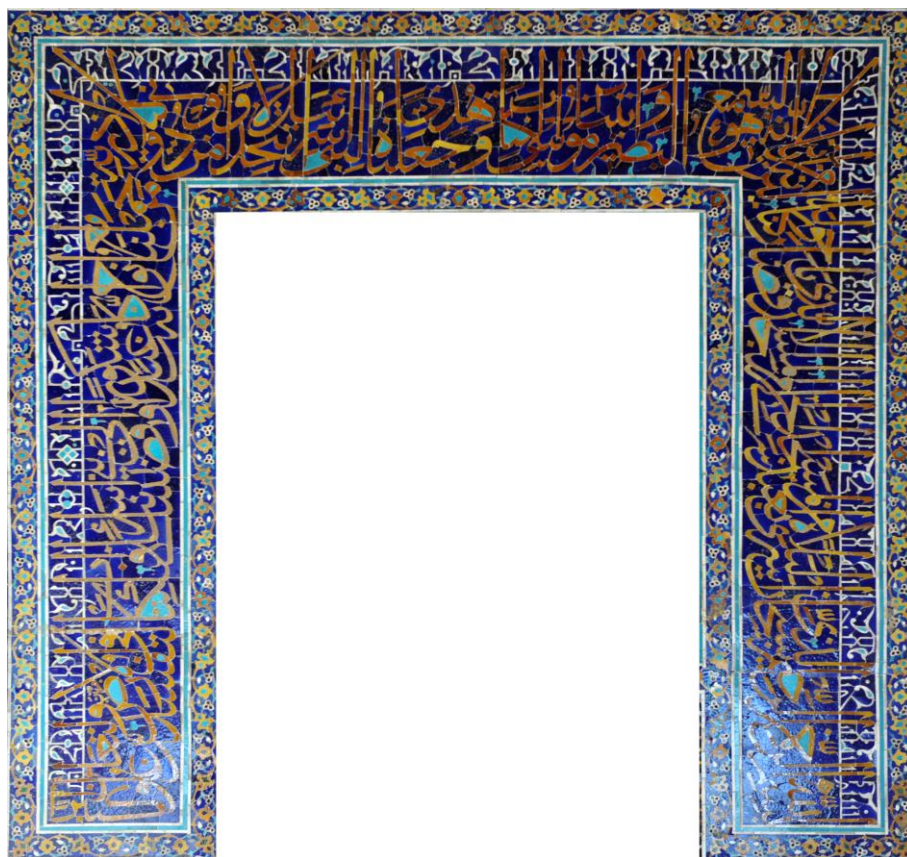
تحول خطوط اسلامی در ایران بازتاب دگرگونی‌های فرهنگی و هنری است. در سده‌های نخست، گونه‌های مختلف خط کوفی، از جمله کوفی ساده، تزئینی، مشجر و معقلی، بیشترین کاربرد را در کتیبه‌های معماری داشتند. از قرن ششم هجری، خطوط ثلث و نسخ رواج بیشتری یافتند و در دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفوی به اوج رسیدند. در دوره‌های متأخر نیز نستعلیق، به‌ویژه در سنگ‌مزارها، بناهای یادمانی و برخی کتیبه‌های غیرمذهبی، به یکی از شاخصه‌های هنر ایرانی تبدیل شد.

تعیین نوع خط، در مستندسازی کتیبه‌ها، به تنهایی کافی نیست؛ بلکه ویژگی‌هایی مانند تناسب حروف، نحوه اتصال، آرایش سطرها، خوانایی، کیفیت اجرا و رابطه خط با معماری یا شیء نیز باید بررسی شود. این شاخص‌ها در تاریخ‌گذاری، شناسایی کارگاه‌های خوشنویسی و تحلیل تحول سبک‌های نوشتاری اهمیت دارند. به عنوان نمونه موردی درباره بررسی قواعد فنی خوشنویسی در نگارش کتیبه‌های خط ثلث (ر.ک. پورمند، ۱۴۰۳: ۸۳-۹۹).

نوع خط معمولاً با محل نصب و کارکرد کتیبه ارتباط دارد. برای مثال، ثلث جلی به سبب خوانایی و شکوه بصری بیشتر در سردرها، ایوان‌ها و گنبد‌ها، و نسخ و نستعلیق بیشتر در فضاهای داخلی، سنگ‌مزارها، وقف‌نامه‌ها و اشیای منقول به کار رفته‌اند. شکل ۸ نمونه‌ای از کتیبه با خط ثلث و خط کوفی است که در آن آیاتی از قرآن کریم بر بالای محراب مسجد بلند بخارا در ازبکستان نگاشته شده است. در بسیاری از آثار ایرانی، خط در پیوند با کاشی‌کاری، گچ‌بری، آجرکاری، حجاری و دیگر تزئینات، بخشی از نظام بصری

بنا را تشکیل می‌دهد؛ از این رو، تحلیل آن باید همراه با بررسی مصالح، فن اجرا و ساختار معماری انجام شود.

یکی از کتاب‌های مرجع برای آشنایی با انواع خط، اطلس خط؛ تحقیق در خطوط اسلامی، نوشته استاد حبیب‌الله فضائی است که در تشخیص دقیق خطوط، یاری‌رسان هر کتیه‌پژوهی است. (فضائی، ۱۳۹۹). همچنین برای آشنایی با خط کوفی، کتاب‌های سید محمدوحید موسوی جزایری مناسب است. (جزایری، ۱۳۹۱؛ جزایری، ۱۳۹۲) درباره ضرورت کاربرد اصول و قواعد خوشنویسی در تحلیل کتیبه‌ها نیز (ر.ک شهیدانی، ۱۳۹۷: ۸۷-۱۰۹). همچنین برای آشنایی با شکل‌هایی که در کتیبه شبیه نوشتار هستند ولی معنایی از آن‌ها مستفاد نمی‌شود. (ر.ک. فرید، ۱۴۰۱: ۴۵-۵۵)



شکل ۸ کتیبه محراب مسجد بلند بخارا (مأخذ: صفری و همکاران: ۱۳۹۶)

جنس و مصالح

جنس و مصالح از مهم‌ترین ویژگی‌های مادی کتیبه‌های دوران اسلامی‌اند و بر شیوه اجرا، دوام، جلوه‌های بصری و حفاظت آن‌ها تأثیر مستقیم دارند. از این‌رو، مطالعه کتیبه بدون توجه به ماده تشکیل‌دهنده آن کامل نخواهد بود زیرا نوع مصالح، فن اجرا، ماندگاری و حتی کارکرد اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تنوع اقلیمی و سنت‌های معماری ایران موجب کاربرد مصالحی چون سنگ، آجر، گچ، کاشی، چوب، فلز، سفال و گاه پارچه در کتیبه‌های دوران اسلامی شده‌است. هر یک از این مواد با توجه به ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناختی خود، در بسترهای متفاوت به کار رفته‌اند؛ به گونه‌ای که سنگ بیشتر در سنگ‌مزارها و کتیبه‌های صخره‌ای، آجر و گچ در معماری، کاشی در بناهای مذهبی و یادمانی، و چوب و فلز در اشیای منقول، درها و منبرها کاربرد داشته‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۲۴۳-۲۴۸؛ کیانی، ۱۳۷۴: ۹۲-۹۸). در مستندسازی کتیبه‌ها، علاوه بر نوع مصالح، ثبت اطلاعاتی مانند فن اجرا، شیوه ساخت، وضعیت حفاظتی، عوامل آسیب‌زا و مداخلات مرمتی ضروری است؛ زیرا این داده‌ها در پژوهش، حفاظت و مرمت آثار نقش اساسی دارند.

نوع مصالح با شیوه اجرا ارتباط مستقیم دارد؛ برای مثال، سنگ با حجاری، گچ با گچ‌بری، آجر با آرایه‌های معقلی، کاشی با معرق و هفت‌رنگ و چوب و فلز با کنده‌کاری، قلم‌زنی و حکاکی همراه است. همچنین، هر ماده در برابر عوامل محیطی آسیب‌پذیری متفاوتی دارد؛ از جمله هوازدگی و نمک‌زدگی در سنگ، رطوبت در گچ، ترک و جداشدگی لعاب در کاشی، پوسیدگی در چوب و خوردگی در فلز. از این‌رو، شناخت ویژگی‌های مصالح، مبنای انتخاب روش‌های مناسب حفاظت و مرمت و حفظ اصالت آثار است. (Blair, 1998: 110-114; Eastmond, 2015: 34-38; ICOMOS, 2003; ICCROM, 2011)

ابعاد و سطور

ابعاد کتیبه و سازمان‌دهی سطرهای آن از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری آثار کتیبه‌ای هستند و با محل نصب، کاربری و نحوه ادراک بصری مخاطب ارتباط مستقیم دارند. اندازه، تناسب و آرایش نوشتار تنها جنبه زیبایی‌شناختی ندارند، بلکه بخشی از نظام ارتباطی اثر را تشکیل می‌دهند؛ از این‌رو، ثبت دقیق آن‌ها یکی از مراحل اصلی مستندسازی و تحلیل کتیبه‌هاست.

ابعاد کتیبه متناسب با محل نصب انتخاب می‌شود. کتیبه‌های سردرها، ایوان‌ها و گنبد‌ها معمولاً با حروف درشت و سطرهای کشیده اجرا شده‌اند تا از فاصله‌های دور خوانا باشند، در حالی که کتیبه‌های محراب، سنگ‌زار، اشیای منقول و فضاهای داخلی، مقیاسی کوچک‌تر و سطرهایی متراکم‌تر دارند و برای مشاهده نزدیک طراحی شده‌اند. در بررسی ساختار نوشتاری، علاوه بر تعداد سطرها، شاخص‌هایی مانند ارتفاع حروف، فاصله سطرها، نسبت متن به سطح اجرا، تراکم نوشتار و کیفیت ترکیب‌بندی نیز باید ثبت شود؛ زیرا این ویژگی‌ها در خوانایی، تحلیل سبک و شناخت رابطه کتیبه با معماری نقش دارند. در بسیاری از آثار ایران، به‌ویژه در دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفوی، آرایش سطرها با ساختار هندسی و تزئینی بنا هماهنگ است و در شکل‌گیری نظم بصری آن سهم دارد. (Grabar, 1987: 158-160; Necipoğlu, 2016: 29-33)

ثبت طول و عرض کتیبه، ابعاد قاب، تعداد سطرها، ارتفاع حروف و مقیاس دید، در مستندسازی استاندارد، ضروری است و امروزه با بهره‌گیری از فتوگرامتری، اسکن سه‌بعدی و تصویربرداری رقومی با دقت بیشتری انجام می‌شود (Historic England, 2017; Theodoridou et al., 2023). بررسی این شاخص‌ها نشان می‌دهد که خوانایی و کارکرد کتیبه تنها به متن یا نوع خط وابسته نیست، بلکه از نحوه سازمان‌دهی نوشتار در فضای معماری نیز تأثیر می‌پذیرد.

رنگ و تزئین

رنگ و تزئین از مهم‌ترین مؤلفه‌های بصری کتیبه‌های دوران اسلامی‌اند و در خوانایی، انتقال معنا، هدایت نگاه مخاطب و هماهنگی نوشتار با معماری نقش اساسی دارند. کتیبه در هنر اسلامی معمولاً به صورت عنصری مستقل ظاهر نمی‌شود، بلکه در تعامل با کاشی‌کاری، گچ‌بری، آجرکاری، مقرنس و نقوش گیاهی و هندسی معنا می‌یابد؛ از این رو، تحلیل آن بدون توجه به ویژگی‌های رنگی و تزئینی کامل نخواهد بود. در معماری ایران دوران اسلامی، رنگ‌های لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید، سیاه، طلایی و سبز بیشترین کاربرد را داشته‌اند. انتخاب این رنگ‌ها علاوه بر ملاحظات زیبایی‌شناختی، با مفاهیم نمادین، ویژگی‌های مصالح و شرایط محیطی نیز ارتباط داشته است. برای مثال، رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای به سبب دوام مناسب در کاشی‌های لعاب‌دار و هماهنگی با فضای معنوی بنا، و رنگ طلایی برای ایجاد جلوه‌های آیینی و تشریفاتی به کار رفته‌اند.

کتیبه‌ها غالباً با آرایه‌هایی مانند اسلیمی، ختایی، نقوش هندسی، شمشه، ترنج و قاب‌بندی‌های متنوع همراه‌اند. این عناصر علاوه بر زیبایی، در سازمان‌دهی فضای پیرامون متن، تأکید بر بخش‌های مهم و تقویت خوانایی نقش دارند. در بسیاری از آثار ایلخانی، تیموری و صفوی، خط و تزئین چنان درهم آمیخته‌اند که خوشنویسی خود به یکی از عناصر اصلی ترکیب‌بندی معماری تبدیل شده‌است (Grabar, 1987: 162-164; Pope, 1938-1939, IV: 214-226).

در مستندسازی کتیبه‌ها، ثبت رنگ زمینه اثر، رنگ نوشتار، نوع آرایه‌ها، شیوه قاب‌بندی، فن اجرا و وضعیت حفاظتی ضروری است؛ زیرا این اطلاعات در سبک‌شناسی، تاریخ‌گذاری، حفاظت و مرمت آثار اهمیت دارند. همچنین، فرسایش لعاب، تغییر رنگ، آلودگی‌های محیطی، رطوبت و مداخلات مرمتی می‌توانند اصالت بصری کتیبه را دگرگون کنند؛ از این رو، مستندسازی دقیق ویژگی‌های رنگی و تزئینی پیش از هر اقدام حفاظتی ضروری است (ICOMOS, 2003; ICCROM, 2011).

موضوع (محتوای کتیبه)

موضوع یا محتوای کتیبه مهم‌ترین لایه معنایی آن و یکی از محورهای اصلی تحلیل در کتیبه‌پژوهی است. هر کتیبه علاوه بر ویژگی‌های مادی و هنری، حامل پیام‌های دینی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی است که در بستر زمانی و مکانی مشخصی شکل گرفته‌اند. از این رو، تحلیل محتوای کتیبه باید در پیوند با محل نصب، کارکرد اثر و زمینه تاریخی آن انجام شود، نه بر پایه خوانش متن.

بررسی کتیبه‌های دوران اسلامی نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعات آن‌ها شامل آیات قرآن، احادیث و ادعیه، اشعار فارسی و عربی، ماده‌تاریخ‌ها، وقف‌نامه‌ها، فرمان‌ها و احکام، معرفی بانیان و سازندگان، و متون آرامگاهی است. تنوع این مضامین بازتابی از نقش گسترده کتیبه‌ها در حیات دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی است (Blair, 1998: 135-143; Bates, 1982: 91-98). انتخاب موضوع معمولاً با کارکرد بنا و محل نصب ارتباط مستقیم دارد. در مساجد، آیات قرآن و احادیث بیشترین کاربرد را دارند؛ در مدارس، متون آموزشی و اخلاقی نیز دیده می‌شود؛ در آرامگاه‌ها، دعاها، اشعار و اطلاعات مربوط به متوفی رواج بیشتری دارد و در بناهای حکومتی و عمومی، ماده‌تاریخ، نام بانی، القاب سلطنتی و متون رسمی غالب‌اند. این هماهنگی میان محتوا و فضای معماری،

یکی از ویژگی‌های شاخص کتیبه‌های دوران اسلامی است (Bloom & Blair, 2009; Behrens-Abouseif, 1994: 69-74).

تحلیل محتوا، در چارچوب روش‌شناختی این پژوهش، در سه گام انجام می‌شود: تعیین نوع متن، بررسی ارتباط آن با کارکرد و محل نصب و تفسیر پیام‌های دینی، فرهنگی، سیاسی یا اجتماعی آن در بستر تاریخی. این رویکرد، امکان تحلیل چندبعدی کتیبه‌ها و مقایسه نظام‌مند آن‌ها را فراهم می‌کند.

موقعیت نصب

موقعیت نصب، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحلیل کتیبه‌های دوران اسلامی است؛ زیرا کتیبه همواره در تعامل با فضای معماری، مسیر حرکت مخاطب و کارکرد بنا، معنا می‌یابد. جایگاه استقرار کتیبه تنها محل فیزیکی قرارگیری آن نیست، بلکه بخشی از نظام ارتباطی اثر را تشکیل می‌دهد و بر انتخاب متن، نوع خط، ابعاد، مصالح، شیوه اجرا و میزان خوانایی آن تأثیر مستقیم می‌گذارد. از این رو، ثبت دقیق موقعیت نصب، یکی از ارکان اساسی مستندسازی و تحلیل کتیبه‌ها به شمار می‌رود.

کتیبه‌ها در معماری ایران دوران اسلامی، در بخش‌های گوناگونی از بنا، از جمله سردرها، ایوان‌ها، گنبد‌ها، مناره‌ها، محراب‌ها، پاکار و طوق گنبد، کتیبه‌های کمربندی شبستان‌ها، ازاره‌ها، درگاه‌ها، درهای چوبی، منبرها، رواق‌ها و فضاهای آرامگاهی به کار رفته‌اند. هر یک از این موقعیت‌ها ویژگی‌های بصری، عملکردی و ارتباطی خاص خود را دارند و متناسب با آن‌ها، متن، نوع خط، ابعاد و فن اجرا نیز انتخاب شده‌است (Pope, 1938-1939, IV: 210-225; Blair, 1998: 112-116). نخستین عنصر نوشتاری بنا هستند و علاوه بر معرفی هویت و کارکرد ساختمان، مخاطب را به ورود دعوت می‌کنند. در مقابل، کتیبه‌های محراب عمدتاً مشتمل بر آیات مرتبط با عبادت، نماز و قبله‌اند و در فضایی نصب می‌شوند که مخاطب اصلی آن‌ها نمازگزاران هستند. همچنین کتیبه‌های گنبد و مناره، به دلیل قرار گرفتن در ارتفاع زیاد، معمولاً با خطوط درشت، ترکیب‌بندی ساده و حروف کشیده اجرا شده‌اند تا از فواصل دور نیز خوانایی خود را حفظ کنند.

ثبت موقعیت نصب نباید به ذکر نام بخش معماری، محدود شود، بلکه لازم است اطلاعاتی همچون ارتفاع تقریبی از سطح زمین، جهت جغرافیایی، زاویه دید، مسیر حرکت مخاطب، میزان دسترسی، شرایط نورپردازی، رابطه کتیبه با دیگر عناصر

معماری و وضعیت قرارگیری آن در سازمان فضایی بنا نیز ثبت شود. این اطلاعات امکان تحلیل دقیق رابطه میان متن، فضا و مخاطب را فراهم کرده و در مطالعات تطبیقی و مستندسازی استاندارد آثار اهمیت فراوان دارد (Historic England, 2017; Theodoridou et al., 2023).

موقعیت نصب از عوامل مؤثر در ارزیابی آسیب‌ها و انتخاب راهبردهای حفاظتی است. کتیبه‌های واقع در فضای باز بیش از نمونه‌های داخلی در معرض تابش خورشید، بارندگی، نوسانات دمایی، آلودگی‌های محیطی و فرسایش قرار دارند، در حالی که کتیبه‌های داخلی بیشتر از رطوبت، تغییر کاربری بنا و مداخلات انسانی آسیب می‌بینند. از این رو، مستندسازی دقیق موقعیت نصب، یکی از پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی حفاظت، پایش و مرمت علمی آثار محسوب می‌شود (ICOMOS, 2003; ICCROM, 2011) از منظر آموزشی، تحلیل موقعیت نصب نشان می‌دهد که کتیبه را نمی‌توان جدا از معماری و فضای پیرامون آن مطالعه کرد. این رویکرد، پیوند میان کتیبه‌پژوهی، معماری، تاریخ هنر، باستان‌شناسی و حفاظت آثار تاریخی را تقویت کرده و درک جامع‌تری از نقش کتیبه‌ها در سازمان فضایی بناهای اسلامی به دست می‌دهد.

بانی و عوامل انسانی

کتیبه‌های دوران اسلامی حاصل همکاری مجموعه‌ای از عوامل انسانی هستند و از این رو، شناخت اشخاص و نهادهای دخیل در پدید آمدن آن‌ها، یکی از محورهای مهم مطالعات کتیبه‌پژوهی به شمار می‌آید. ثبت اطلاعات مربوط به بانی، واقف، خوشنویس، معمار، استاد کار و دیگر عوامل اجرایی، علاوه بر معرفی پدیدآورندگان اثر، امکان شناخت نظام تولید آثار هنری، ساختارهای اداری، حمایت از هنر و سازمان‌های حرفه‌ای در دوره‌های مختلف اسلامی را فراهم می‌سازد. در میان این عوامل، بانی یا واقف جایگاهی محوری دارد؛ زیرا سفارش ساخت بنا یا اجرای کتیبه و تأمین هزینه‌های آن معمولاً بر عهده او بوده است. نام بانی غالباً همراه با القاب، عناوین افتخاری، دعاها یا عبارات ستایش‌آمیز در متن کتیبه آمده و از این رهگذر اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار قدرت، نظام وقف، حامیان هنر و تاریخ اجتماعی هر دوره در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد (Blair, 1998: 136-139; Bates, 1982: 93-95).

علاوه‌بربانی، در بسیاری از کتیبه‌های ایران دوران اسلامی نام خوشنویس، معمار، حجّار، کاشی‌کار، گچ‌بر، نجّار، قلم‌زن، شاعر، تنظیم‌کننده متن، مباشر یا ناظر اجرا نیز ثبت شده‌است. این اطلاعات نشان می‌دهد که اجرای یک کتیبه فرایندی گروهی بوده و هر یک از این افراد در شکل‌گیری نهایی اثر نقشی مشخص داشته‌اند. از این رو، این داده‌ها تنها ارزش تاریخی ندارند، بلکه بخشی از هویت فنی و هنری کتیبه محسوب می‌شوند و باید در مستندسازی علمی آثار ثبت شوند. (Blair, 1998: 18–22; O'Kane et al., 2023)

از منظر روش شناختی، مستندسازی عوامل انسانی نباید به ثبت نام افراد محدود شود، بلکه لازم است نقش هر شخص، عنوان یا سمت، نوع مشارکت، جایگاه ذکر نام در متن، وابستگی سازمانی یا خانوادگی و ارتباط او با دیگر عوامل اجرایی نیز بررسی شود. چنین داده‌هایی امکان بازسازی شبکه تولید آثار هنری، شناسایی کارگاه‌های فعال، مسیر انتقال فنون و شناخت روابط میان هنرمندان و حامیان هنر را فراهم می‌کند و در مطالعات تطبیقی نیز ارزش فراوانی دارد.

شناسایی بانی و استادکاران، در حوزه حفاظت و مرمت نیز می‌تواند در شناخت اصالت اثر، تشخیص مراحل ساخت یا مرمت‌های تاریخی و انتخاب شیوه‌های مناسب حفاظت مؤثر باشد. همچنین از منظر آموزشی، تحلیل عوامل انسانی نشان می‌دهد که کتیبه تنها محصول مهارت یک خوشنویس نیست، بلکه حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و هنری است.

تاریخ و امضا

تاریخ و امضا از مهم‌ترین داده‌های سندی کتیبه‌های دوران اسلامی‌اند و نقش اساسی در تاریخ‌گذاری، انتساب، ارزیابی اصالت و تحلیل تحول هنر و معماری دارند. این دو مؤلفه، علاوه بر تعیین زمان ایجاد اثر و معرفی پدیدآورندگان آن، امکان بازسازی سیر تحول خوشنویسی، معماری، فنون اجرایی و شبکه‌های هنری را نیز فراهم می‌کنند. از این رو، ثبت و تحلیل نظام‌مند تاریخ و امضا، یکی از مراحل اساسی مستندسازی علمی کتیبه‌ها به شمار می‌رود.

تاریخ، در کتیبه‌های ایران دوران اسلامی، به شیوه‌های گوناگونی ثبت شده‌است؛ از جمله ذکر صریح سال، ماه یا روز، استفاده از حروف ابجد و ماده تاریخ، یا اشاره به رویدادهای تاریخی و دوره‌های سلطنت. این اطلاعات علاوه بر تعیین زمان ساخت، در

شناسایی مراحل توسعه، مرمت یا بازسازی بنا نیز اهمیت فراوان دارند. در بسیاری از آثار، کتیبه‌های الحاقی یا مرمتی تاریخ مستقلی دارند و از این طریق می‌توان دوره‌های مختلف مداخله در بنا را از یکدیگر بازشناخت.

امضا نیز یکی از ارزشمندترین عناصر هویتی کتیبه است و معمولاً نام خوشنویس، معمار، حجار، کاشی کار یا دیگر استادکاران را در بر می‌گیرد. هرچند بسیاری از کتیبه‌های دوران اسلامی فاقد امضا هستند، اما در نمونه‌های دارای امضا، این اطلاعات امکان شناسایی سبک‌های فردی، کارگاه‌های هنری، حوزه فعالیت استادکاران و انتقال سنت‌های خوشنویسی و فنون اجرایی را فراهم می‌کند. از این رو، هرگونه امضا، نشان یا عبارت هویتی باید با دقت ثبت و تحلیل شود.

بررسی تاریخ و امضا از دیدگاه روش‌شناختی، نباید به استخراج متن محدود شود، بلکه لازم است شیوه ثبت تاریخ (عددی، ابجد یا ماده تاریخ)، نوع تقویم، محل قرارگیری، میزان خوانایی، اصالت، احتمال الحاق یا مرمت و ارتباط آن با دیگر اجزای کتیبه نیز بررسی شود. درباره امضا نیز باید نام، عنوان، نقش، محل استقرار، شیوه نگارش و ارتباط آن با سایر اطلاعات کتیبه ثبت گردد. این داده‌ها در ارزیابی اعتبار تاریخی اثر، مطالعات تطبیقی و تدوین بانک‌های اطلاعاتی استاندارد اهمیت فراوان دارند.

در حوزه حفاظت و مرمت، تاریخ و امضا از مهم‌ترین معیارهای تشخیص اصالت اثر محسوب می‌شوند. تطبیق تاریخ‌های ثبت شده با شواهد معماری، منابع تاریخی و یافته‌های مطالعات فنی، امکان شناسایی مداخلات بعدی، بازسازی‌های غیراصیل و تغییرات تاریخی بنا را فراهم می‌کند و در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی نقش تعیین‌کننده دارد (ICOMOS, 2003; ICCROM, 2011). از منظر آموزشی، تحلیل تاریخ و امضا، دانشجویان را با مبانی تاریخ‌گذاری، سندشناسی، انتساب آثار و شناخت کارگاه‌های هنری آشنا می‌سازد و نشان می‌دهد که این اطلاعات بخشی از شناسنامه علمی هر کتیبه هستند.

وضعیت حفاظت و مرمت

بررسی وضعیت حفاظت و مرمت، یکی از ارکان اساسی مستندسازی کتیبه‌های دوران اسلامی است، زیرا هر کتیبه، علاوه بر ارزش تاریخی و هنری، شیئی مادی است که در طول زمان تحت تأثیر عوامل طبیعی و انسانی دچار تغییر، فرسایش یا آسیب شده است. از این رو،

ارزیابی وضعیت حفاظتی باید بخشی جدایی ناپذیر از فرایند مطالعه و مستندسازی علمی کتیبه‌ها باشد و در تحلیل اصالت، برنامه‌ریزی حفاظت و انتخاب راهکارهای مرمت به آن توجه کرد. (ICOMOS, 2003; Stanley-Price, 2009; ICCROM, 2011).

عوامل آسیب‌های کتیبه‌ها را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: عوامل طبیعی، مانند نوسانات دما، رطوبت، بارندگی، تابش خورشید، تبلور نمک‌ها، فرسایش بادی و فعالیت‌های زیستی و عوامل انسانی، از جمله مرمت‌های غیراصولی، آلودگی‌های محیطی، توسعه شهری، جابه‌جایی آثار، تخریب عمدی و گردشگری کنترل نشده. هر یک از این عوامل می‌تواند بر خوانایی متن، استحکام مصالح و اصالت تاریخی اثر تأثیر بگذارد. (ICOMOS, 2003; Stanley-Price, 2009).

ارزیابی وضعیت حفاظت نباید به توصیف کلی آسیب‌ها محدود شود، بلکه لازم است نوع، گستره، شدت و محل آسیب، عوامل احتمالی ایجادکننده، وضعیت مصالح، آثار مرمت‌های پیشین و میزان تأثیر آسیب بر خوانایی و یکپارچگی کتیبه به صورت نظام‌مند ثبت شود. این اطلاعات، علاوه بر ارزش پژوهشی، مبنای تصمیم‌گیری برای حفاظت، مرمت و پایش آثار در آینده خواهد بود. از منظر آموزشی، آشنایی با اصول ارزیابی وضعیت حفاظت، دانشجویان را با یکی از مهم‌ترین مراحل مطالعات میدانی میراث فرهنگی آشنا می‌سازد و نشان می‌دهد که مستندسازی علمی کتیبه‌ها تنها به خوانش متن محدود نیست، بلکه بررسی وضعیت حفاظتی نیز بخش مهمی از شناخت علمی اثر محسوب می‌شود.

الگوی پیشنهادی روش‌شناسی مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی

این پژوهش چارچوبی یکپارچه برای مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی پیشنهاد می‌کند که شامل سه محور اصلی است: طبقه‌بندی بر اساس محل نصب، طبقه‌بندی بر اساس کارکرد و بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی کتیبه‌ها. این چارچوب با گردآوری شاخص‌های استاندارد مستندسازی، امکان توصیف، تحلیل، مقایسه و ارزیابی علمی کتیبه‌ها را در حوزه‌های تاریخ، هنر، معماری، باستان‌شناسی و حفاظت و مرمت فراهم می‌سازد. جمع‌بندی این شاخص‌ها در قالب الگوی پیشنهادی پژوهش در جدول ۱۳ ارائه شده است و می‌تواند به عنوان مبنایی برای مستندسازی، آموزش و پژوهش‌های آتی در حوزه کتیبه‌پژوهی دوران اسلامی استفاده شود.

جدول ۱۳ چارچوب پیشنهادی مستندسازی و تحلیل کتیبه‌های دوران اسلامی

وضعیت ثبت	شاخص	داده‌های مورد نیاز	کاربرد پژوهشی
☐	نام اثر	نام تاریخی یا نام رایج اثر	شناسایی اثر
☐	موقعیت جغرافیایی	استان، شهرستان، مختصات جغرافیایی	مستندسازی مکانی
☐	نوع اثر	مسجد، مدرسه، آرامگاه، پل، شیء منقول و...	طبقه‌بندی آثار
☐	جایگاه نصب	سردر، محراب، گنبد، مناره، منبر، سنگ‌مزار و...	تحلیل فضایی
☐	کارکرد کتیبه	اطلاع‌رسان، بلاغی یا ترکیبی	تحلیل عملکرد
☐	زبان	فارسی، عربی یا سایر زبان‌ها	مطالعات زبان‌شناختی
☐	خط	کوفی، ثلث، نسخ، نستعلیق و...	سبک‌شناسی خوشنویسی
☐	جنس و مصالح	سنگ، آجر، کاشی، گچ، چوب، فلز و...	مطالعات فناوری ساخت
☐	فن اجرا	حجاری، گچ‌بری، معرق، هفت‌رنگ، قلم‌زنی و...	مطالعات فنی
☐	ابعاد و سطور	طول، عرض، ارتفاع حروف، تعداد سطرها	تحلیل ساختاری
☐	رنگ و تزیین	رنگ‌ها، نقوش، قاب‌بندی	مطالعات زیبایی‌شناختی
☐	موضوع (محتوا)	آیات، احادیث، اشعار، ماده‌تاریخ، وقف‌نامه و...	تحلیل محتوایی
☐	عوامل انسانی	بانی یا واقف، خوشنویس، معمار، حجار، کاشی‌کار، شاعر و...	تاریخ هنر و مطالعات اجتماعی
☐	تاریخ و امضا	تاریخ صریح یا ماده‌تاریخ؛ نام و مشخصات هنرمند	گاه‌نگاری و تاریخ‌گذاری
☐	وضعیت حفاظت	سالم، آسیب‌دیده، مرمت‌شده	حفاظت و مرمت
☐	روش مستندسازی	عکاسی، فوتوگرامتری، اسکن سه‌بعدی، RTI و...	مستندسازی دیجیتال
☐	منابع و مستندات	منابع کتابخانه‌ای، اسناد آرشیوی، مطالعات میدانی	اعتبارسنجی پژوهش
☐	یادداشت‌ها	توضیحات و مشاهدات پژوهشگر	تکمیل تحلیل

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین چارچوبی روش‌شناختی برای مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی انجام شد. بررسی منابع پژوهش نشان داد که مطالعات کتیبه‌پژوهی در ایران، با وجود پیشینه ارزشمند، غالباً بر معرفی آثار، خوانش متون یا تحلیل‌های تاریخی و هنری متمرکز بوده و به تدوین یک الگوی جامع برای مستندسازی و تحلیل نظام‌مند کتیبه‌ها نپرداخته‌است. این کاستی، علاوه بر دشوار ساختن مقایسه پژوهش‌ها، موجب ناهمگونی در شیوه‌های ثبت اطلاعات و تحلیل داده‌ها شده‌است.

این پژوهش، با تکیه بر رویکردی میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از دستاوردهای تاریخ هنر، معماری، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، حفاظت و مرمت، چارچوبی پیشنهادی برای مطالعه کتیبه‌های دوران اسلامی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، کتیبه‌ها از دو منظر طبقه‌بندی (بر پایه جایگاه نصب و کارکرد) و ویژگی‌های شناسنامه‌ای (شامل زبان، خط، مصالح، ابعاد، رنگ و تزئین، موضوع، موقعیت نصب، بانی و عوامل انسانی، تاریخ و امضا، وضعیت حفاظت) بررسی می‌شوند. این رویکردی امکان تحلیل جامع‌تر کتیبه‌ها را فراهم می‌آورد و از نگاه تک‌بعدی به این آثار جلوگیری می‌کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، ارائه الگوی پیشنهادی روش‌شناسی مطالعات کتیبه‌های دوران اسلامی و تدوین چارچوب استاندارد مستندسازی و تحلیل کتیبه‌ها است که در قالب جدول ۱۳ ارائه شد. این چارچوب می‌تواند به عنوان مبنایی مشترک برای پژوهش‌های دانشگاهی، مطالعات میدانی، پروژه‌های مستندسازی، حفاظت و مرمت و نیز آموزش دانشجویان رشته‌های تاریخ هنر، باستان‌شناسی، مرمت آثار تاریخی و معماری به کار گرفته شود. استفاده از شاخص‌های یکسان، علاوه بر افزایش دقت و انسجام پژوهش‌ها، انجام مطالعات تطبیقی میان دوره‌ها، مناطق و گونه‌های مختلف کتیبه را نیز فراهم می‌سازد.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که مطالعه کتیبه‌ها نباید به خوانش متن یا بررسی ویژگی‌های خوشنویسی محدود شود، بلکه تحلیل رابطه متن با معماری، کارکرد، بستر فرهنگی، عوامل انسانی و وضعیت حفاظتی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند کتیبه‌پژوهی است. این نگاه جامع، جایگاه کتیبه را از یک عنصر تزئینی فراتر برده و آن را به عنوان سندی تاریخی، هنری، فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌کند. در مجموع، این پژوهش گامی در جهت نظام‌مند کردن مطالعات کتیبه‌پژوهی به شمار می‌آید و امید است که چارچوب پیشنهادی آن بتواند زمینه‌ساز تدوین استانداردهای علمی در مستندسازی،

آموزش و پژوهش کتیبه‌های دوران اسلامی و نیز ارتقای کیفیت مطالعات آینده در این حوزه باشد.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

- آشوری، محمدتقی، امیر مازیار و نفیسه گریوانی. (۱۳۹۶). «معرفی و طبقه‌بندی کتیبه‌های معماری عهد تیموری» پژوهشنامه خراسان بزرگ، پیاپی ۲۸. ۳۶-۲۱.
- بلر، شیلا. (۱۳۹۴). نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین. ترجمه مهدی گلچین عارفی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن).
- پورمند، مهدیه. (۱۴۰۳). «بررسی ارزش‌های بصری و قواعد خوشنویسی در نگارش کتیبه‌های خط ثلث هشتی مسجد جامع مظفری کرمان». نشریه مطالعات بین رشته‌ای هنرهای تجسمی، سال سوم شماره ۲ (پیاپی ۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳). ۹۹-۸۳.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۰). سبک‌شناسی معماری ایرانی. به کوشش غلامحسین معماریان. تهران: پژوهنده.
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات متون و کتیبه‌های دوران اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- ذوالفقاری، داریوش. (۱۳۹۷). «بازبینی کتیبه و تاریخ سردر مسجد مدرسه آقابزرگ». فصلنامه علمی اثر. دوره ۳۹، ش ۸۱، صص ۶۲-۵۵.
- حاجی زاده باستانی، کریم، اسماعیل معروفی اقدم، سعید ستارنژاد و فریبرز طهماسبی. (۱۳۹۷). «جستاری بر جانمایی آیات قرآنی و سایر کتیبه‌ها در بناهای دوره اسلامی براساس مضامین آن‌ها (پژوهشی بر مقابر دوره سلجوقی شمال غرب ایران)». مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، پیاپی ۳ (بهار ۱۳۹۷). ۱۴۸-۱۳۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۵). دیوان حافظ: بر اساس نه نسخه کامل کهن مورخ به سال‌های ۸۱۳ تا ۸۲۷ هجری قمری، تدوین و تصحیح رشید عیوضی، ویراست ۲، تهران: امیرکبیر.
- حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۳۷). نقش پارسی بر احجار هند، چاپ دوم. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- حکیمی، صفورا، امیرحسین صالحی و مهدی امرایی. (۱۴۰۲). «بررسی خاستگاه، فرم و مضمون در کتیبه‌های دارای صورت». فصلنامه نگره، پیاپی ۶۵. ۱۴۹-۱۳۱.
- ذوالفقاری، داریوش. (۱۴۰۴). «کتیبه‌خوانی با موسیقی شعر». فصلنامه علمی تجلی هنر در معماری و شهرسازی. دوره ۳، ش ۲، صص ۱۹-۱.
- رحیمی‌فر، مهناز. (۱۴۰۰). «آثار تألیفی عبدالله قوچانی»: ۴۳-۳۹. در: خیر خطه خط، یادنامه عبدالله قوچانی. به اهتمام داریوش ذوالفقاری. تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- شاطری، میترا و پرستو قاسمی. (۱۴۰۰). «تجلی باورهای دینی بر کتیبه‌نگاری مذهبی شمشیرهای دوره‌های صفوی و قاجار». فصلنامه نگره، پیاپی ۶۰. ۱۲۱-۹۷.

- شهیدانی، شهاب. (۱۳۹۷). «ملاحظات چند در دانش کتیبه نگاری و ضرورت کاربرد اصول و قواعد خوشنویسی در تحلیل کتیبه‌ها». نشریه پژوهش‌های معماری/اسلامی، سال ششم شماره ۱ (پیاپی ۱۸، بهار ۱۳۹۷). ۸۷-۱۰۹.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین و میرزا محمد حسنی. (۱۳۹۵). «نقش کتیبه‌های خواننده نشده مسجد سنگی داراب در شناسایی کارکرد و تاریخ ساخت بنا». نشریه پژوهش‌های علوم تاریخی، سال هشتم شماره ۲ (پیاپی ۱۴) ۸۱-۹۴.
- صفری، رضا، آراسته ملاکین و داریوش ذوالفقاری. (۱۳۹۶). گزیده‌ای از کتیبه‌های بخارا؛ مستندنگاری کتیبه‌های دوران اسلامی آسیای مرکزی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرید، امیر. (۱۴۰۳). «گفتمان‌های رایج کتیبه نگاری در ایران معاصر». مجله جلوه هنر، سال شانزدهم شماره ۳ (پاییز ۱۴۰۳). ۱۲۰-۱۰۷.
- فرید، امیر. (۱۴۰۱). «دسته بندی کتیبه‌های شبه نوشتاری در هنر اسلامی». فصلنامه نگره، پیاپی ۶۳. ۴۵-۵۵.
- فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). اطلس خط، تحقیق در خطوط اسلامی. چاپ سوم. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران).
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. به کوشش مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۴۳). اقلیم پارس. تهران: انجمن آثار ملی.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۰). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- معطوفی، اسدالله. سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد. چاپ نخست. تهران: انتشارات حروفیه، ۱۳۸۷.
- موسوی جزایری، محمدوحید. (۱۳۹۱). سنگ‌نوشته‌های کوفی، میراث جهانی. تهران: آبان.
- موسوی جزایری، محمدوحید. (۱۳۹۲). آموزش خواندن و خوش‌نویسی در دست‌نوشته‌های خط کوفی اولیه. تهران: آبان.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۵). آثار تاریخی و باستانی ایران. تهران: انتشارات علمی.
- ویت، گاستون. (۱۳۸۸). کتیبه‌های عربی در ایران (ترجمه محمد رضا ریاضی). در: آرتور اوپهام پوپ و فیلیس اکرم (به سرپرستی)، سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز (جلد ۴، صص. ۱۷۷۴-۱۸۳۴). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References

- Bates, M. L. (1982). *Arabic inscriptions: A guide to Arabic epigraphy*. New York University Press.
- Behrens-Abouseif, D. (1994). *Islamic architecture in Cairo: An introduction*. Brill.
- Blair, S. S. (1998). *Islamic inscriptions*. Edinburgh University Press.
- Blair, S. S. (2006). *Islamic calligraphy*. Edinburgh University Press.
- Bloom, J. M., & Blair, S. S. (Eds.). (2009). *The Grove encyclopedia of Islamic art and architecture*. Oxford University Press.

- CIPA Heritage Documentation. (2021). *CIPA guidelines for heritage documentation*. ICOMOS.
- Eastmond, A. (Ed.). (2015). *Viewing inscriptions in the late antique and medieval world*. Cambridge University Press.
- Eldem, E. (2007). *Death in Istanbul: Death and its rituals in Ottoman-Islamic culture*. Ottoman Bank Archive and Research Centre.
- Flood, F. B. (2009). *Objects of translation: Material culture and medieval "Hindu-Muslim" encounter*. Princeton University Press.
- Grabar, O. (1987). *The formation of Islamic art*. Yale University Press.
- Historic England. (2017). *Photogrammetric applications for cultural heritage*. Historic England.
- ICOMOS. (2003). *Principles for the analysis, conservation and structural restoration of architectural heritage*. International Council on Monuments and Sites.
- Pope, A. U. (Ed.). (1938–1939). *A survey of Persian art from prehistoric times to the present*. Oxford University Press.
- Rogers, J. M. (1976). Epigraphy and Islamic architecture. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 108(2), 210–223.
- Stanley-Price, N. (Ed.). (2009). *Conservation principles, dilemmas and uncomfortable truths*. Butterworth-Heinemann.

